

امام رضا علیه السلام

به روایت اهل سنت

زندگی، شخصیت، روایت، امامت، ولایت عهدی،

کرامت، زیارت

محمد محسن طبسی

دودمان

سَمْعانی شافعی، دودمان امام رضا علیه السلام را این گونه بیان می‌کند: «علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام»^۱

پرواضح است که امام رضا علیه السلام از دودمان و ذریه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، چنان چه حاکم نیشابوری شافعی به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید :

و مِنْ أَجْلِ فَضِيلَةِ لِنَسَبِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا أَنَّهُ مِنْ ذُرِّيَّةِ خَيْرِ الْبَشَرِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صلی الله علیه و آله، وَ هَذَا مَذْهَبُ أَهْلِ السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ وَ إِجْمَاعِ فَقَهَاءِ الْحِجَازِ عَلَيْهِ ، وَ مَنْ خَالَفَ هَذَا الْقَوْلَ فَقَدْ خَالَفَ الْكِتَابَ وَ السُّنَّةَ وَ عَانَدَ الْحَقَّ وَ أَظْهَرَ التَّعَصُّبَ لِي سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ ذُرِّيَّتِهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ^۲.

یکی از بزرگترین افتخارات و فضایل علی بن موسی الرضا علیه السلام این است که وی از نسل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است و این مطلب جزء اعتقادات مذهب سنت و جماعت است و تمام فقهای حجاز براین مطلب اتفاق نظر دارند. و کسانی که بالاین موضوع مخالفت ورزند با قرآن و سنت به مبارزه برخاسته و با حق به ستیز پرداخته اند و تا قیامت درمورد دو سرور جوانان بهشتی و دودمان آن دو ، تعصب و دشمنی ابراز داشته‌اند .

گفتنی است تأکید بر بیان نسب امام رضا علیه السلام ، حاکی از سلسله جریان های اهل بیت علیهم السلام ستیز در طول تاریخ است که سعی در جداسازی اهل بیت علیهم السلام از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله داشتند و هم چنین حاکی از آگاهی و بیداری و ایستادگی افرادی هم چون حاکم نیشابوری شافعی در برابر این جریان های فتنه‌انگیز است .

^۱ - الأنساب ، ج ۳ ، ص ۷۵ .

^۲ - فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم علیهم السلام ، ج ۲ ، ص ۲۰۲ ، ح ۴۸۱ ، به نقل از حاکم نیشابوری .

کُنیه و القاب

نام مبارک آن حضرت ، علی و از دیدگاه اهل سنت ، وی در جمع اهل بیت پیامبر اعظم علیه السلام سومین شخصی است که بعد از امام علی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام (علی بن الحسین) ، علی نامیده شده است.^۱

کُنیه آن حضرت، ابوالحسن است^۲، چنان که پدر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام نیز می فرماید :

فرزندم، هم کُنیهی من است .

گرچه برخی، ابوبکر را کُنیه ی امام می دانند^۳، ولی این گفته ، سخنی نادر است و کُنیهی معروف ایشان همان ابوالحسن است .

غیاث الدین شافعی، معروف به خواند امیر می گوید :

آن حضرت القاب بسیاری دارد^۴.

که در جمع بندی عبارتند از: رضا^۵، هاشمی، علوی، حسینی، قرشی، مدنی^۶، ولی، حفی، صابر، زکی،

زاکي^۷، قائم^۸ و مشهورترین آن ها رضا است^۹.

۱ - مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول علیه السلام ، ص ۲۹۵ .

۲ - المنتظم فی تواریخ الملوك و الامم ، ج ۲ ، ص ۱۲۵ ، تذکرة الخواص من الأمة یذكر خصائص الأئمة علیه السلام ، ص ۳۱۵ ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۹ ، فص ۳۸۷ و العبر فی خبر من غیر ، ج ۱ ، ص ۲۶۶ .

۳ - مقاتل الطالبیین ، ص ۳۷۵ .

۴ - تاریخ حبیب السیر فی أخبار افراد بشر ، ج ۲ ، ص ۸۲ .

۵ - الأنساب ، ج ۳ ، ص ۷۵ ، اللباب فی تهذیب الأنساب ، ج ۲ ، فص ۳۰ ، المنتظم فی تواریخ الملوك و الامم ، ج ۶ ف ص ۱۲۵ ، قاموس المحيط ، ج ۴ ، ص ۳۳۷ ، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال ، ج ۱۳ ، ص ۴۰۸ ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۹ ، ص ۳۸۷ ، تقریب التهذیب ، ج ۲ ، ص ۴۵ و البداية و النهاية ، ج ۱۰ ، ص ۲۶۱ .

۶ - تهذیب الکمال فی أسماء الرجال ، ج ۱۳ ، ص ۴۰۸ ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۹ ، ص ۳۸۷ ، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام (حوادث ۲۱۰ - ۲۰۱) ، ص ۲۶۹ ، العبر فی خبر من غیر ، ج ۱ ، ص ۲۶۶ ، البداية و النهاية ، ج ۱۰ ، ص ۲۶۱ و النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة ، ج ۲ ، ص ۲۱۹ .

۷ - تذکرة الخواص من الأمة یذكر خصائص الأئمة علیه السلام ، ص ۳۱۵ ، الفصول المهمة فی معرفة أحوال الأمة علیه السلام ، ص ۲۳۴ ف سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب ، ص ۷۵ ، نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیه السلام ، ص ۲۳۲ و أحسن القصص ، ج ۴ ، ص ۲۸۹ .

۸ - وسیلة الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیه السلام ، ص ۲۳۸ .

۹ - الفصول المهمة فی معرفة أحوال الأئمة علیه السلام ف ص ۲۳۴ ، نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیه السلام ، ص ۲۳۲ و أحسن القصص ، ج ۴ ، ص ۲۸۹ .

چه کسی لقب «رضا» را به امام داده است؟

در این خصوص که چه شخصی لقب «رضا» را به امام داده و به چه معناست، باید گفت: گروهی از اهل سنت، مأمون را نام گذار اصلی دانسته اند، یعنی وقتی مأمون در سال ۲۰۱، ولایت عهدی را بر امام تحمیل نمود، آن حضرت را ملقب به رضا کرد.^۱ اما در روایت احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از امام جواد علیه السلام این مسئله تکذیب شده و در این روایت چنین آمده است:

ابن ابی نصر بزنطی روزی به امام جواد علیه السلام عرض کرد: گروهی از مخالفان شما گمان می کنند مأمون لقب «رضا» را در برابر پذیرش ولایت عهدی به پدر شما اعطا کرده است! امام جواد علیه السلام در پاسخ فرمود: به خدا سوگند! دروغ می گویند. خدای متعال لقب «رضا» را، بدین جهت که تمامی مخالفین و موافقین وی از او راضی بودند، به پدرم داده است...^۲

برخی از اهل بیت سنت نیز مانند جوینی شافعی^۳ و عبدالرحمن جامی حنفی^۴، این معنا را تأیید کرده و برخی دیگر نیز این موضوع را چنین به نظم درآورده اند:

پناه عجم مقتدای عرب	امام علی نام عالی نسب
از آن رو رضا گشت او را لقب ^۵	ازو بود راضی جهان آفرین

^۱ - تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۱۳۸، مقاتل الطالبیین، ص ۳۷۶، تجارب الأمم و تعاقب الهمم، ج ۳، ص ۳۶۶، تاریخ مختصر الدول، ص ۱۳۴ و تنمة المختصر فی أخبار البشر، ج ۱، ص ۳۱۸.

^۲ - عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳.

^۳ - فرزند السمطین فی فضائل المرتضی و البنول و السبطین و الانمة من ذریتهم علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۸۷.

^۴ - شواهد النبوة، ص ۱۸۳.

^۵ - تاریخ حبیب السیر فی أخبار افراد بشر، ج ۲، ص ۸۲.

پدر و مادر

پدر بزرگوار وی حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم (علیه السلام) است، ولی درنام مادر مکرّمه امام (علیه السلام)

اختلاف است:

مادر حضرت کنیز بوده که برای او نام های متعددی ذکر کرده اند: سکینه^۱، اروی^۲، خیزران مریسیه^۳،
نجمه^۴، و لقب او را شقراء نوییه^۵ و یا ام البنین^۶ گفته اند.

گفتنی است، محمد خواجه پارسای بخاری حنفی، درمقابل تجلیل از مادر امام رضا (علیه السلام) و مقام معنوی
آن بانو چنین می گوید:

وَكَاثَتْ أُمُّهُ مِنْ أَشْرَافِ الْعِجَمِ وَكَانَتْ مِنْ أَفْضَلِ النِّسَاءِ فِي عَقْلِهَا وَدِينِهَا...^۷

مادر آن حضرت از بزرگان زادگان غیر عرب بوده و از نظر عقل و دین، سرآمد زنان دوران خویش بوده
است .

ولادت امام

امام رضا (علیه السلام) یک سال پس از شهادت امام صادق (علیه السلام) در مدینه و روزجمعه دیده به جهان گشود.
در سال و ماه ولادت آن حضرت اختلاف است: برخی سال ولادت او را ۱۴۳^۸، ۱۴۸^۹، ۱۵۱^{۱۰}، ۱۵۳^{۱۱} و
بعضی روز ولادت وی را نیز ششم، هفتم و یا هشتم شوال ثبت کرده اند.^{۱۲}

^۱ - سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۸۷.

^۲ - أحسن القصص، ص ۲۸۹.

^۳ - تذكرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة (علیهم السلام)، ص ۳۱۵ و مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول (علیهم السلام)، ص ۲۹۵.

^۴ - تاریخ حبیب السیر فی أخبار أفراد بشر، ج ۲، ص ۸۳.

^۵ - مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول (علیهم السلام)، ص ۲۹۵ و سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۸۷.

^۶ - الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۴۸.

^۷ - فصل الخطاب لوصول الأحباب به نقل از ینابیع المودة لذوی القربی (علیهم السلام)، ج ۳، ص ۱۶۶.

^۸ - نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار (علیهم السلام)، ص ۲۳۲.

در مورد ولادت امام رضا (علیه السلام) ماجراهای شگفت آوری در کتب اهل سنت نقل شده که در دفتر ششم،

بدان ها اشاره خواهد شد.

وفات یا شهادت امام (علیه السلام)؟

در تاریخ شهادت امام اختلاف بسیار است:

- شنبه، اواخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری در دوران خلافت مأمون عباسی (رأی بیشتر اهل سنت)^۵

- اول صفر ۲۰۳^۶.

- شب جمعه ی ماه مبارک رمضان ۲۰۳ هجری^۷.

- پنجم ذی حجه ۲۰۳ هجری^۸.

- سیزدهم ذیقعدی ۲۰۳ هجری^۹.

- سال ۲۰۲ هجری^{۱۰}.

^۱ - الكامل فی التاریخ، ج ۴، ح ۱۷۸؛ تنمّة المختصر فی أخبار البشر، ج ۱، ص ۳۲۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۸۷؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۴۸ و نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار (علیه السلام)، ص ۲۳۲.

^۲ - مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، ج ۲، ص ۱۰.

^۳ - مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ص ۳۴؛ وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۳، ص ۲۷۰؛ مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، ج ۲، ص ۱۰ و الأئمة الاثنا عشر (علیه السلام)، ص ۹۸.

^۴ - وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۳، ص ۲۷۰؛ مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، ج ۲، ص ۱۰ و الأئمة الاثنا عشر (علیه السلام)، ص ۹۸.

^۵ - تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۳۱۲؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۳؛ تاریخ الامم و الملوك، ج ۵، ص ۱۴۶؛ مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ص ۳۳؛ کتاب الثقات، ج ۸، ص ۴۵۷؛ المنتظم فی تواریخ الملوك و الامم، ج ۶، ص ۱۲۱؛ تجارب الامم و تعاقب الهمم، ج ۳، ص ۳۷۶؛ اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۳۰؛ الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۸۷؛ تاریخ مختصر الدول، ص ۱۳۴؛ المختصر فی أخبار البشر، ج ۲، ص ۲۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۸۹؛ الکاشف من له رواية فی الكتب الستة، ج ۲، ص ۲۸۷؛ البداية و النهایة، ج ۱۰، ص ۲۶۱؛ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۲، ص ۲۱۹؛ الأئمة الاثنا عشر (علیه السلام)، ص ۹۵ و تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس، ج ۲، ص ۳۳۵.

^۶ - التنبيه و الأشراف، ص ۳۰۳.

^۷ - المنتظم فی تواریخ الملوك و الامم، ج ۶، ص ۱۲۵؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۴۸ و تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.

^۸ و ^۹ - وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۶، ص ۲۷۰؛ مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، ج ۲، ص ۱۰.

^{۱۰} - مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، ج ۲، ص ۱۰.

امام رضا (علیه السلام) حدود پنجاه سالگی به شهادت رسید^۱. البته در سنّ دقیق آن حضرت به هنگام شهادت، اختلاف است: برخی ۴۴، را ذکر کرده است و عده ای ۴۷، ۴۹، ۵۰ و ۵۳ سالگی را سن امام به هنگام هنگام شهادت ثبت کرده‌اند.

امام (علیه السلام) در دوران خلافت مأمون عباسی در طوس و در روستایی به نام «سناباد»^۲ از توابع شهر «توقان»^۳ به شهادت رسید و به دستور مأمون کنار قبر هارون به خاک سپرده شد.^۴

گفتنی است درباره ی چگونگی شهادت امام رضا (علیه السلام) و پیش گویی امام در این باره و مسائلی که بعد از شهادت ایشان باید پدید آمد گزارش ها و روایت های شگفت انگیزی نقل شده که در دفتر ششم بدان ها اشاره خواهد شد .

دیدگاه علمای اهل سنت:

با این که امام رضا (علیه السلام) در مقاطع گوناگونی از حیات شریف خود، تصریح کرده بود که « من با سمّ کشته و در دیار غربت به خاک سپرده خواهم شد.»^۵ و مأمون را نیز قاتل خویش معرفی کرده بود^۶ و این سخنان را بزرگان اهل سنت گزارش و روایت کرده‌اند به گونه ای که دکتر کامل مصطفی شیبی می‌گوید:

۱ - تقریب التهذیب، ج ۲، ص ۴۵.
۲ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۳.
۳ - مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ص ۳۳.
۴ - مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۱۴۲؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۹۳؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۴۸ و تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.
۵ - إمام تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۹، ص ۳۸۰.
۶ - مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، ص ۳۳.
۷ - یکی از روستاهای توقان از شهرهای طوس. ر.ک: معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۵۹.
۸ - در آن دوران، طوس دو شهر بزرگ به نام های طابران و توقان داشت که هر کدام از آن ها بیش از هزار روستا داشتند. ر.ک: معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۱۱.
۹ - کتاب الثقب، ج ۸، ص ۴۵۷؛ کتاب الإشارات إلى معرفة الزیارت، ص ۷؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۳۹؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۴۸ و تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.
۱۰ - فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم (علیهم السلام)، ج ۲، ص ۸۱۲، ح ۴۹۲، ص ۱۹۲، ح ۶۹ و ینابیع المودة لذوی القربى (علیهم السلام)، ج ۳، ص ۱۶۷.
۱۱ - مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول (صلی الله علیه و آله)، ص ۳۰۰-۳۰۲؛ الفصول المهمة فی معرفة أحوال الائمة (علیهم السلام)، ص ۲۵۰؛ شواهد النبوة، ص ۳۸۹-۳۹۲؛ تاریخ روضة الصفا، ج ۳، ص ۴۹-۵۲؛ تاریخ حبیب السیر فی أخبار أفراد بشر، ج ۲، ص ۸۸-۹۱؛ الکواکب الدریة فی تراجم السادة

مات الرضا مسموماً كما يرى أكثر المورخين^١؛

آن گونه که بیشتر تاریخ نگاران برآند، امام رضا علیه السلام مسموم از دنیا رفت.

برخی این حقیقت را پوشانده و مطالب ناروایی را در این زمینه نقل کرده‌اند و وفات یا شهادت امام علیه السلام را به صورت های مختلفی منعکس کرده‌اند که به آن ها اشاره می‌شود: متأسفانه عده ای بدون توجه به وقایع و حقایق تاریخی همانند این جریر طبری شافعی، علت وفات امام علیه السلام را زیاد خوردن انگور می دانند. وی می‌گوید:

إنّ علی بن موسی الرضا أكل عنباً فأكثر منه فمات فجأة^٢؛

علی بن موسی الرضا زیاد انگور خورد و بدان سبب، ناگهان درگذشت.

برخی نیز مانند ابن اثیر شافعی^٣، شمس الدین بن خلّکان شافعی^٤ ابن جوزی حنبلی^٥، ابوالفداء دمشقی شافعی^٦، ابن کثیر دمشقی شافعی^٧ و این سخن را پذیرفته‌اند.

در مقابل، کسانی هم چون مسکویه، یافعی شافعی و محمدّ خواجه پارسای حنفی، با تردید به گفته‌ی ابن

جریر طبری شافعی نگریسته و بین وفات و شهادت امام علیه السلام توقف کرده‌اند.

مسکویه می‌نویسد:

علی ماحكى أكلَ عنباً فأكثرَ منه فمات فجأة^٨؛

الصوفية، ج ١، ص ٢٥٦؛ مفتاح النجا فی مناقب آل عبا علیهم السلام ص ٨٢؛ نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیهم السلام، ص ٢٤٤ و الأنوار القدسية، ص ٣٩.

^١ - الصلة بی التصوّف و التشیع، ج ١، ص ٢٤٤.

^٢ - تاریخ الأمم و الملوك، ج ٥، ص ١٤٦.

^٣ - الكامل فی التاریخ، ج ٤، ص ١٧٧.

^٤ - وفيات الأعیان و أنباء الزمان، ج ٣، ص ٢٣.

^٥ - المنتظم فی تواریخ الملوك و الأمم، ج ٢، ص ١٢١.

^٦ - المختصر فی أخبار البشر، ج ٢، ص ٢٣.

^٧ - البداية و النهایة، ج ١٠، ص ٢٦٠.

بنابر آن چه نقل شده، وی بر اثر زیاد خوردن انگور، ناگهانی از دنیارفته است.

یافعی شافعی می‌گوید:

وكان سبب موته، على ما حكوا، أنه أكل عنباً فأكثر منه. قيل: بلمات مسموماً^۱؛

سبب رحلت امام، بنابر آن چه گفته اند، این است که بر اثر زیاد خوردن انگور اتفاق افتاده، هم چنین

گفته شده: وی مسموم از دنیا رفته است.

محمد خواجه پارسای حنفی نیز با نقل سخنان مخالف و موافق در مورد شهادت یا وفات امام توقف واز

اظهار نظر خود داری می‌کند.^۲

برخی دیگر نیز مانند ابن حجر هیثمی شافعی^۳ و فضل بن روز بهان خنجی اصفهانی حنفی^۴، مرگ

ناگهانی امام علیه السلام را ناشی از مسموم شدن آن حضرت بانار یا انگور می‌دانند، اما سخنی از قاتل وی به میان نمی‌آورند.

در ادامه، کسانی هم چون مسعودی شافعی، ابن طقطقی، مقریزی شافعی و از معاصرین، دکتر ترمائینی

با پذیرش مسموم شدن امام، مأمون را با شک و تردید، قاتل امام معرفی می‌کنند:

مسعودی شافعی می‌نویسد:

و فی خلافته قبضَ علی بن موسی الرضا مسموماً بطوس^۵؛

در دوران خلافت مأمون، امام رضا علیه السلام در طوس مسموم از دنیا رفت.

^۱ - تجارب الأمم و تعاقب الهمم، ج ۳۷ ص ۳۷۶.

^۲ - مرآة الجنان و عیرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، ج ۲، ص ۱۰.

^۳ - فصل الخطاب لوصول الأحباب به نقل از ینابیع المودة لذوی القربى علیه السلام، ج ۳، ص ۱۶۸.

^۴ - الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۳۹.

^۵ - وسیلة الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیه السلام، ص ۲۲۳.

^۶ - مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج ۴، ص ۴ و التنبيه و الأشراف، ص ۳۰۳.

ابن طَقْطَقَى :

قيل: إِنَّ المأمون سمّه في عنب^۱ ؛

گفته شده : مأمون امام رضا علیه السلام را با انگور مسموم ساخت.

مقریزی شافعی :

وَأُتِهم المأمون أَنّه سمّه في عنب^۲ ؛

مأمون متهم به مسموم کردن امام رضا علیه السلام با انگور است.

البته در جای دیگر با صراحت می گوید:

(المأمون) سمّ الرضا^۳ ؛

گفته اند: مأمون با خوراندن سمّ به امام رضا علیه السلام، وی را مسموم کرد.

ترمانینی می نویسد:

و يقال: إِنَّ المأمون دسّ له السمّ^۴ ؛

گفته اند: مأمون با خوراندن سمّ به امام رضا علیه السلام، وی را مسموم کرد.

در مقابل، بسیاری از تاریخ نگاران ومحدثان نامی، مانند محمد بن علی حلبی معروف به ابن

العظیمی، ابن حبان بُستی شافعی، سمعانی شافعی^۵، صفدی شافعی، ابوالفرج اصفهانی، حاکم نیشابوری

^۱ - الفخری فی الآداب السلطانية و الذّول الإسلامية، ص ۲۱۵، و ۲۱۶.

^۲ - کتاب المقفی الكبير، ج ۴، ص ۲۸۴.

^۳ - النفود الإسلامية، ص ۷۲ و ۷۳.

^۴ - أحداث التاریخ الاسلامی بترتیب السنین، ج ۲، ص ۱۱۶۹.

^۵ - الأنساب، ج ۳، ص ۷۴.

نیشابوری شافعی، مقریزی شافعی (در بعضی از کتب خویش)^۱، ابن صباغ مالکی، شبلنجی شافعی^۲

میر محمد بن سی برهان الدین میرخواند شافعی^۳، غیاث الدین شافعی خواند امیر و عباس بن علی

مکی شافعی^۴، با ابن العظیمی می گوید:

مات علی الرضا سمّیه المأمون^۵؛

امام رضا علیه السلام با سَمی که مأمون به وی خواند، به شهادت رسید.

ابن حبان بُستی شافعی می نویسد:

مات علی بن موسی بطوس من شربة سقاها أياها المأمون فمات من ساعة^۶؛

علی بن موسی الرضا با جرعه ای سم که مأمون به وی نوشاند، بی درنگ از دنیا رفت.

در جای دیگر می گوید:

قد سُمَّ من ماء الرمان و أسقى قلبه المأمون^۷؛

امام با آب انار مسموم، به شهادت رسید و آن را مأمون به وی نوشاند.

صفدی شافعی می گوید:

و آل أمره مع المأمون إلى أن سمّه في رمانة على ما قيل مداراة لبني العباس^۸؛

^۱ - النقود الإسلامية، ص ۷۲ و ۷۳.

^۲ - نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیهم السلام، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

^۳ - تاریخ روضة الصفا، ج ۳، ص ۵۰.

^۴ - نزهة الجلیس و منیة الأديب الأنیس، ص ۱۰۵.

^۵ - تاریخ حلب، ص ۲۴۲.

^۶ - کتاب الثقات، ج ۸، ص ۴۵۷.

^۷ - کتاب المجروحین، ج ۲، ص ۱۰۷.

^۸ - الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۲۵۱.

روزگار امام با مأمون بدان جا رسید که سرانجام آن حضرت رابا انار، مسموم ساخت تا نظر بنی عباس را جلب نماید.

ابوالخرج اصفهانی می نویسد:

كان المأمون عقد له على العهد من بعده، ثم دَسَّ إليه في ما ذكر بعد ذلك سمًّا فمات منه^۱؛
مأمون علی بن موسی الرضا را ولی عهد خود قرار داد، ولی سپس آن گونه که گفته شده سمّی به او خوراند و حضرت بر اثر آن دنیا را وداع گفت.

واژه شهادت

جالب است که حاکم نیشابوری شافعی، ابن صَبَّاح مالکی و فضل بن روز بهان خنجی اصفهانی حنفی، از وفات امام رضا علیه السلام تعبیر به «شهادت» کرده اند:

حاکم نیشابوری شافعی می گوید:

أشهد علی بن موسی بسناباذ من طوس ...^۲؛

امام رضا علیه السلام در سناباد، از توابع طوس به شهادت رسید.

ابن صَبَّاح می نویسد:

أستشهد علی بن موسی الرضا...^۳؛

امام رضا علیه السلام به شهادت رسید.

^۱ - مقاتل الطالبین، ص ۳۷۵.

^۲ - سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۹۳ و تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹ هردو به نقل از تاریخ نیشابور.

^۳ - الفصول المهمة فی معرفة أحوال الائمة عليهم السلام، ص ۲۶۴.

فضل بن روز بهان خنجی اصفهانی حنفی گفته است:

الإمام القائم الثامن الشهيد بالسم في الغم...^۱

امام هشتم با سمّ به شهادت رسید...

قاضی بهجت افندی شافعی باصراحت، امام علیه السلام را شهید می‌داند و مأمون را قاتل امام معرفی

کرده و می‌گوید:

... مأمون از نشر علوم و انوار هدایت امام علیه السلام به تنگ آمد، سرانجام با زهر جفآن حضرت را

شهید نمود و عدم اجتماع ظلم و عدل، حق و باطل، علم و جهل را در یک جا، با ارتکاب این عمل

غدارانه، اثبات کرد^۲.

بررسی بیشتر

افزون برسرخنان یاد شده، که حاکی از مسموم شدن و شهادت حضرت است، مرگ طبیعی

امام علیه السلام معقول نیست، زیرا با توجه به وقایع تاریخی دوران امام رضا علیه السلام که مأمون، وی را خطر

بزرگی برای خود و حکومتش می‌دانست و با ترفند ولی عهدی نیز نتوانست به اهداف خود برسد

وهم چنین نارضایتی بیشتر بنی عباس از ولایت عهدی امام رضا علیه السلام هر فرد آشنای با تاریخ به

راحتی مرگ طبیعی امام را نمی‌پذیرد و برایش پذیرفتنی نیست که امام رضا علیه السلام با آن همه نفوذ

معنوی میان مردم و حکومت، به مرگ طبیعی ازدنیا رفته است. از سویی، شخصیتی که به تعبیر

^۱ - وسیلة الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیه السلام، ص ۲۲۳.

^۲ - تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد علیه السلام، ص ۱۵۷-۱۵۹.

اطرافیان آن حضرت: «قلیل النوم، کثیر الصوم...» بوده چگونه می‌توان زیاد خوردن انگور را سبب وفات ایشان دانست.

جمع بندی

به هر حال، وجود روایات معتبر، تصریح بیشتر منصفین از تاریخ نگاران اهل سنت به شهادت امام رضا علیه السلام و سیاست های دوگانه ی مأمون عباسی در برابر امام رضا علیه السلام، شک و شبهه ای در این زمینه باقی نمی گذارد که امام به شهادت رسیده و مأمون آن حضرت را مسموم کرده است. بنابراین، جایی برای برداشت های غیر واقع بینانه و تصورات شخصی افرادی چون ابن خلدون مالکی^۱ و احمد امین مصری شافعی^۲ باقی نخواهد ماند.

فرزندان

به گفته فخر رازی شافعی:

امام رضا علیه السلام دارای پنج پسر به نام های امام ابو جعفر محمد تقی، حسن، علی، حسین، موسی و دختری به نام فاطمه بوده و به اتفاق تاریخ نگاران نسل امام رضا علیه السلام از امام جواد علیه السلام ادامه پیدا کرده است.^۳

برخی دیگر فرزندان امام را محمد (امام جواد علیه السلام) و حسین دانسته اند.^۴

اما زَرَنَدی حنفی (۷۵۷ هـ.ق.) می‌گوید:

۱ - العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی ایام و المعجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر معروف به تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۳۸.
 ۲ - ضحی الإسلام، ج ۳، ص ۲۹۶.
 ۳ - الشجرة المباركة فی انساب الطالبيه، ص ۷۷؛ ر. کتب یوم المقرة لعترة النبأ العظمی علیه السلام، ص ۹ و ابی ایوب المودة ل ذوی القربی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۶۵.
 ۴ - جمهرة أنساب العرب، ص ۶۲.

و الصحيح أنه لم يلد له ذَكَرٌ و لا أنثى غير محمد بن علي التقي عليه السلام وله العقب^۱؛

درست آن است که جز محمد بن علی ملقب به تقی فرزندی، چه پسر و چه دختر، نداشت و این فرزند،

دارای فرزندی است.

سمعانی شافعی می گوید:

فرزندان امام رضا علیه السلام و دودمان آن حضرت رات «رضوی» می نامند.^۲

^۱ - معارج الوصول إلى معرفة فضل آل الرسول والبتول عليهم السلام، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.
^۲ - الأنساب، ج ۳، ص ۷۵. ر. ک: اللباب فی تهذيب الأسماء، ج ۲، ص ۳۰ و لبُّ اللباب فی تحرير الأنساب، ج ۱، ص ۳۵۴.